

ملاحظات در باب برخی نسخه‌های خطی

محمد کاظم رحمتی

مقدمه

بخش اعظمی از مطالب گردآوری شده در سنت تراجم‌نگاری، مطالبی است که نویسندگان آثار رجالی از نسخه‌های خطی مختلف گاه به خط مؤلفان استخراج کرده‌اند و در کتاب *ریاض العلماء* افندی به کرات مطالب مختلفی از انجامه‌ها یا صفحه عنوان‌های آثار مختلف خطی را می‌توان دید که افندی با نقل آن‌ها مطالب ارزشمندی را در اختیار ما قرار داده است. این شیوه را بعدها در تألیفات رجالی می‌توان دید، اما مشکل اصلی که در سر راه گردآوری اطلاعات از این دست و تدوین آن‌ها برای بهره‌گیری، به دشواری دسترسی به نسخه‌های خطی باز می‌گردد. اطلاعات آمده در ادامه نشان می‌دهد که دست کم از حیث گردآوری چنین اطلاعاتی چرا لازم است تا نسخه‌های خطی حتی فهرست شده به گونه‌ای در اختیار افراد مختلف قرار گیرد و هر کس متناسب با تجارب خود بتواند نکاتی را که از جنبه‌های مختلف نسخه‌شناسی قابل طرح است را بیان کند.

کثرت نسخه‌های خطی و کار دشوار نسخه‌گزینی برای تصحیح نسخه‌های خطی امری است که در باب برخی آثار پرنسخه به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع بر سر راه تحقیق خودنمایی می‌کند. از سوی دیگر پراکندگی فهرس نسخه‌های خطی و گاه فهرست شدن برخی آثار به عنوان مجهول یا عدم شناسی آن‌ها توسط فهرست‌نگاران، باعث عدم بهره‌گیری از نسخه‌های گاه مهم در تصحیح آثار خطی می‌شود. این مشکل اکنون به لطف انتشار فهرستواره دست‌نوشت‌های نسخه‌های خطی ایران (دنا) و تحریر مفصل‌تر آن فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) تا حد بسیاری مرتفع و یا حتی رفع شده است. در این میان کاری که شایسته‌ترین توجه می‌باشد، انتشار اطلسی از خطوط شناخته شده عالمان و فقیهان مسلمان است که بر اساس آن بتوان در کار شناسایی نسخه‌های خطی بهره برد؛ هر چند توجه به کاتبان نسخه‌های خطی نیز در این میان اهمیت دارد. در حالی که تصور رایج آن است که کاتبان اشخاصی حرفه‌ای بوده‌اند که در قبال دریافت وجهی به کار کتابت نسخه‌ها می‌پرداخته‌اند. از آن جایی که شیوه مذکور نیازمند تمکن مالی بوده، بسیاری از عالمان امامی با توجه به وضعیت خود در بهره‌نبردن از موقوفات، خاصه در قرون ششم تا دهم و پیش از صفویه و حتی در اوایل عصر صفویه، خود مجبور به کتابت نسخه‌های خطی بوده‌اند و از این رهگذار، توجه به خطوط آن‌ها می‌تواند در شناسایی نسخه‌هایی که آن‌ها کتابت کرده‌اند، به کار آید.

از چند مثال شروع می‌کنم. در تصحیح نسخه‌های خطی، نسخه‌های مقروء و دارای اجازه خاصه زمانی که فرد مجیز خود عالم برجسته‌ای باشد یا در بعد نسخه‌ی اخیر در اختیار عالم برجسته‌ای دیگر قرار گرفته باشد و او نیز آن را خوانده باشد و با نسخه‌ای دیگر مقابله کرده باشد، اهمیت فراوانی دارد. در مواردی خاصه به علت فرسودگی بخش‌هایی از انهاءات دال بر قرائت نسخه از میان می‌رود و باعث می‌شود که نتوان فردی که انهاء بر نسخه نوشته را شناسایی کرد. نسخه‌ای از تهذیب الوصول علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۱۱۵۸ مجموعه طباطبائی وجود دارد که بخشی از آن نونویس و دیگر بخش‌های آن به خطی کهن‌تر کتابت شده است. بخش نخست نسخه، دست خطی متفاوت دارد و حتی حواشی نیز به دست خط متفاوت از بخش دیگر نسخه که کهن‌تر است، کتابت شده‌اند. در حقیقت از صفحه ۸۷ به بعد بخش کهن‌تر نسخه است و صفحات قبل یا توسط کاتبی دیگر نوشته شده

یا در بعد بازنویسی شده است. به صفحهٔ انجام نسخه بازگردیم. متن انجامة نسخه اهمیت خاصی دارد و بهتر است که ابتدا متن آن را نقل کنیم:

تَمَّ الْكِتَابَ بِحَمْدِ اللَّهِ تَعَالَى وَعَوْنِهِ وَحَسَنِ تَوْفِيقِهِ وَصَلَوَاتِهِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ كَتَبَهُ لِنَفْسِهِ أَفْقَرُ عِبَادِ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى رَحْمَةٍ وَأَحْوَجُهُمْ إِلَى غَفْرَانِ ذَنْبِهِ وَتَجَاوَزِهِ عَنْ سَيِّئَاتِهِ، جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْحَسَامِ الشَّامِيِّ الْعَامِلِيِّ بِمَجْلِسِ الْمَوْلَى الْعَلَامَةِ بِلْ أَوْحِدِ الدَّهْرِ، فَرِيدِ الْعَصْرِ، قَدْوَةَ الْإِفَاضِلِ، افْتِخَارِ الْآوَاخِرِ وَالْأَوَايِلِ، عَمِيدِ الْمَلَّةِ وَالْحَقِّ وَالِدِينَ عَبْدِ الْمَطْلُبِ الْإِعْرَجِ الْحُسَيْنِيِّ.. اللَّهُ جَلَّالَهُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ الْجَمَادِيِّ الْأَوَّلِ سَنَةِ أَحَدٍ وَخَمْسِينَ وَسَبْعِمِائَةٍ.

کاتب نسخه جعفر بن محمد بن ابراهیم بن حسام شامی عاملی است که مرحوم آقا بزرگ در *طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع في القرن التاسع*، ص ۹، ۲۳ چند مطلب کوتاه در خصوص او آورده است. به همان دلیلی که در قبل به آن اشاره شد عالمان امامی در سده‌های ششم تا دهم تا حدی به دلیل عدم تمکن مالی گسترده همانند همتایان سنی خود، مجبور به کتابت و استتساخ نسخه‌های خطی بوده‌اند. بخش دوم نسخه که حواشی فراوان تری دارد به احتمال قوی حواشی جعفر بن حسام عاملی بر کتاب *تهذيب الوصول* است که او در مجلس درس خواهرزادهٔ علامه حلی از وی شنیده است و اهمیت فراوانی دارد و بسیاری از این تعلیقات به سختی قابل خواندن است. نکتهٔ دیگر آنهایی است که در کنار انجامة نسخه آمده که بخشی از آن محو شده و آن چه که از بخش موجود انهاء می‌توان خواند، چنین است:

انها ایده الله تعالی قراءة وبحثاً وفهماً وضبطاً واستشراحاً فی مجالس آخرها...

پرسش این است که این انهاء و بلاغ قرائت از کیست؟ چرا که دست خط با دست خط جعفر بن حسام عاملی تفاوت دارد. توجه به دو نکته می‌تواند مراد شناخت هویت احتمالی فردی که انهاء مذکور را نوشته کمک کند. به نحو طبیعی یافتن دست خط مشابه و دیگری محتوی خود انهاء است. به واقع دست خط مذکور شباهت بسیاری با دست خط شناخته شده شهید ثانی دارد و از حیث مضمون و محتوی انهاء نیز شباهت نزدیکی با متن انهاءات شناخته شده از شهید ثانی دارد و این مطلب که نسخه را فردی عاملی کتابت کرده و نسخه در جیل عامل بوده، می‌تواند در تأیید حدس مذکور، به عنوان قرینه‌ای تلقی شود.^۱

۱. برای توصیف نسخه بنگرید به: سید محمد طباطبائی (منصور)، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مجلس

شهید ثانی خود کتابخانه ای ارزشمند داشته که در آن حدود دویست کتاب به خط خودش بوده و کتاب های دیگری که او در طی حیات مبارکش گردآوری کرده است. کتابخانه مذکور در ایام زندگی او زمانی پس از ۹۵۶ که به جیب بازگشته مورد غارت قرار می گیرد و بعدها

شورای اسلامی: مجموعه اهدائی سید محمد صادق طباطبائی (تهران، ۱۳۸۸ ش)، ج ۲۴، بخش دوم، ص ۱۶۰. در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب تحریر الاحکام به شماره ۱۲۸۳۶ که در ۸۶۳ کتابت شده، موجود است که در آخر آن اجازه ای از محمد بن حسام به کسانی که کتاب را نزد او خوانده اند، آمده است: «قرء علی الشیخ الجلیل العالم الفاضل الورع الكامل برهان الدین ابراهیم ولد الشیخ المرحوم حسن الشقیفی طرفاً من هذا الكتاب قرأة مهذبة مرضیة قرأة بحد و تحقیق وفهم و تدقیق واجزت له روایت جمیعہ و جمیع مصنفات مصنفه الشیخ الامام العلامة جمال الدین بن المطهر قدس الله روحه الزکیة عن والدی عن عمی عن السید حسن بن ایوب الحسینی الشهیر بابن نجم الدین عن الشیخ فخر الدین والسید عمید الدین عنه و جمیع مصنفات الشیخ نجم الدین ابی القاسم عن المصنف عنه و جمیع مصنفات العریف الماهر والبحر الزاخر شمس الدین محمد بن مکی قدس الله سره .. عنی عن والدی عن عمی عن السید المذكور عن الشہید فلیرو ذلك لمن شاء واحب فهو اهل لذلك وكتب اصغر عباد الله محمد بن الحسام حامداً مصلياً مستغفراً». نسخه اخیر در سال ۸۶۳ کتابت شده و در اختیار فردی به نام عبدالله بن مسیب مسلمی بوده است که تعلیقاتی بر آن نوشته است: «وقد فرغ من تعلیقه لنفسه عبدالله بن مسیب المسلمی الثامنة من شهر الله الأصب سنة ثمانمائة واربعة وستون هجرية علی مشرفها السلام والحمد لله وحده». پس از آن نسخه در تملک شخصی به نام جمال الدین احمد بن الحاج علی بوده که وی نسخه را نزد محمد بن مؤذن خوانده است «انهاه -ایده الله- قرأة وفهماً، اعنی الشیخ الفاضل برهان الدین ابراهیم المقرئ وفقه الله وایانا لمراضیه وجعل یومه خیراً من ماضیه- وقد أجزت له روایتہ عنی عن قراته علیه وهو الشیخ جمال الدین احمد بن الحاج علی -رحمه الله- عن مشایخه متصلأ الى المصنف -رحمه الله- وطلبت منه الدعاء فی خلواته وعقیب صلواته تقبل الله منه وكتب العبد الفقیر الى الله تعالی محمد بن المؤذن حامداً مصلياً مسلماً». برای توصیف نسخه و تصویر صفحه انجامة نسخه بنگرید به: فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله، ج ۳۲، ص ۵۸۷-۵۸۸، ۱۱۳۴. شمس الدین محمد بن محمد بن داود مؤذن جزینی در اجازه خود به علی بن عبدالعالی میسی در ۸۸۴ در سخن از طریق خود در روایت کتاب تحریر الاحکام گفته: «... وأجزت له الروایة مع العمل بجمیع ما تضمنه كتاب التحریر من جملة مقرواتی وما علیه من النقل وما فيه من الفتاوی الخالية من النقل، وأما الترددات والأنظار والاشکالات الخالية من فتوی المصنف ومن علامة بخطی فلا یعمل بها، وهی قليلة فی الكتاب الذی قرأته، وهو بخط المصنف رحمته الله عنی عن الشیخ جمال الدین بن الحاج علی وعن الشیخ عز الدین حسن بن الفضل...». بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۳۶-۳۷. جمال الدین احمد بن حاج علی عینائی از جمله شاگردان ابن حسام بوده است و اطلاع اخیر نشانگر این نکته نیز هست که جمال الدین از جمله شاگردان ابن مؤذن نیز بوده است. بنگرید به: افندی، ریاض العلماء، ج ۱، ص ۴۷. محمد بن محمد بن خاتون عینائی در اجازه خود به محقق کرکی، اجازه خود از جمال الدین احمد بن حاج علی عینائی را آورده است. بنگرید به: مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۰-۲۷.

بقایای کتابخانه شهید ثانی به کوشش نواده‌اش شیخ علی کبیر (علی بن محمد بن حسن بن زین الدین عاملی) به همراه کتابخانه خانوادگی شیخ حسن، و پدرش شیخ محمد و کتابخانه پدر بزرگ شیخ حسن، شیخ محیی الدین به ایران منتقل شده است. کتابخانه شیخ علی کبیر تا زمان صاحب ریاض العلماء در اصفهان موجود بوده و برخی از اعقاب شیخ علی کبیر که در اصفهان می‌زیسته‌اند، به حفظ و نگهداری کتابخانه مذکور اهتمام داشته‌اند. در خصوص کتاب‌های کتابخانه شهید یک نکته دیگر را نیز باید افزود؛ زمانی که شهید ثانی در تاریخی میان ۱۰ تا ۱۵ شوال ۹۶۴ دمشق را ترک کرده و همراه با کاروان‌های حج به مکه رفته، تعدادی از کتاب‌های خود را همراه داشته است. در خصوص این که چه بر سر کتاب‌های شهید ثانی هنگامی که مقامات عثمانی او را در همان شهر بازداشت کرده‌اند، آمده، اطلاعی در دست نداریم جز آن که اکنون نسخه‌ای از کتاب رفع الحجب و فتاوی قواعد در چند برگ به دست آمده که حسین بن عبدالصمد در ۹۴۳ زمانی که با شهید ثانی برای تحصیل به قاهره رفته‌اند، کتابت کرده و بعدها نسخه را به شهید ثانی، به عنوان هدیه بخشیده است (شاید در ۹۵۵ زمانی که از شهید در بعلبک جدا شده و زمانی که شهید به جبع بازگشته و حسین بن عبدالصمد به عراق رفته). شهید به کتاب اخیر به عنوان یادگاری از دوست عزیزش توجه داشته و آن را با خود در ضمن کتاب‌هایی که همراه داشته، به مکه برده است. نسخه اخیر پس از شهادت شهید ثانی در اختیار ملا محمود لاهیجانی قرار گرفته و او نسخه را با خود از مکه خارج کرده است (از نسخه اخیر تصویر در مؤسسه شیعه‌شناسی موجود است).^۱

از نسخه‌هایی که شیخ محیی الدین که به احتمال قوی باید شیخ محیی الدین بن احمد بن تاج الدین میسی (زنده در ۹۵۴) باشد، تا به حال سه نسخه شناسایی کرده‌ام.^۲ در کتابخانه

۱. درباره ملا محمود لاهیجانی و آن چه که درباره او می‌دانیم بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «نکاتی درباره ملا محمود لاهیجانی از شاگردان گمنام شهید ثانی»، جشن نامه استاد سید احمد حسینی اشکوری، به کوشش رسول جعفریان (تهران، نشر علم، ۱۳۹۲ش)، ص ۵۱۹-۵۳۶.

۲. درباره محیی الدین بن احمد بن تاج الدین عاملی میسی مطالب چندانی در دست نیست. حر عاملی (متوفی ۱۱۰۴) در امل الآمل (ج ۱، ص ۳۱) در اشاره به او تنها نوشته است: «الشیخ محیی الدین (بن) أحمد بن تاج الدین العاملی المیسی؛ کان فاضلاً زاهداً عابداً، استجاز منه فضلاء عصره ومنهم مولانا محمود بن محمد الکیلائی فأجازه سنة ۹۵۴». افندی نیز در ریاض العلماء (ج ۵، ص ۲۰۶) به شکلی مختصر در اشاره به محیی الدین میسی نوشته است: «الشیخ محیی الدین بن أحمد بن تاج الدین العاملی المیسی؛ کان عالماً فاضلاً

ملی مجموعه نسخه‌ای به شماره ۲۶۲۱/ع موجود است که مشتمل بر چهار رساله است و معرفی از آن در فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران به قلم استاد محترم آقای حبیب‌الله عظیمی (ج ۱۳، ص ۲۹-۳۱) آمده است. رساله اول که در خصوص احکام صداق است توسط فهرست‌نگار محترم مجهول المؤلف معرفی شده هرچند در انجامة آن به صراحت نام محیی‌الدین بن احمد بن تاج‌الدین به عنوان نویسنده آمده و گفته شده است:

هذا ما تيسر جمعه في هذه المسئلة مع ما تيسر فيها من النكت واللواحق مع قلة البضاعة في هذه الصناعة والله مستجبه ولي العفو والقبول وحسبنا ونعم الوكيل تحريراً في عشية الثلثا والتاسع عشر ليلة الحجة الحرام من سنة ۹۵۴ بالمشهد المقدس الرضوى على مشرفه الصلوة والسلام بقلم احقر العباد محيي الدين بن احمد بن تاج الدين لطف الله بهم بمحمد وآله والطاهرين.

پس از رساله اخير، سه رساله از آثار شهيد ثانی يعنى المقاصد العلية فى شرح الرسالة الالفية، تنايح الافكار فى حكم المقيمين فى الاسفار ورسالة فى تيقن الطهارة والحدث و الشك فى السابق آمده است. دست خط نسخه در برگ ۲۷ الف تغيير کرده است و تا برگ ۳۴ ب به خطی ديگر است و پس از آن با نسخه به خط میسی ادامه یافته هرچند برخی از

عابداً من تلامذة الشهيد الثانى». اجازه‌ای که شيخ حر عاملی از آن سخن گفته، به طور کامل در بحار الانوار (ج ۱۰۵، ص ۱۷۳-۱۷۴) آمده است. ملا محمود لاهیجانی پیش از رجب ۹۵۳ در بعلبک زمانی که شهيد ثانی در مدرسه نوريه به تدریس مشغول بوده، به آن جا رسیده و شهيد ثانی اجازه‌ای که پیش‌تر در ۹۴۱ به حسين بن عبدالصمد حارثی عاملی داده را به او نیز اجازه داده است. در اواخر ربيع الثانی ۹۵۴ زمانی که محیی‌الدین میسی در کربلاء بوده، با ملا محمود گیلانی دیدار می‌کند و ملا محمود گیلانی از وی تقاضای دریافت اجازه می‌کند. میسی که در راه سفر به مشهد بوده در پاسخ به درخواست ملا محمود گیلانی به او اجازه‌ای کوتاه داده و در آن مشایخ خود را نخست شهيد ثانی (شيخنا الأعظم الاجل خاتمة المجتهدين) معرفی کرده و به اجازه مشهور او به حسين بن عبدالصمد نیز اشاره کرده و همان طرق مذکور در اجازه را طريق خود معرفی کرده است. هم‌چنین او ديگر استاد اجازه خود رازين الدين فقعی معرفی کرده و گفته که او از محقق کرکی (متوفی ۹۴۰) اجازه داشته که او خود شاگرد شهاب‌الدین احمد بن خاتون عینائی بوده است که دو طرق ذکر شده، طرق اصلی روایت در میان شیعیان است. در کتاب‌های تراجم‌نگاری متأخر شیعه مطالب چندانی در خصوص محیی‌الدین میسی در دست نبوده و نسخه حاضر نیز به دلیل آن که تنها در سالیان اخیر فهرست شده، مورد توجه قرار نگرفته است. آقابزرگ در طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر من القرن العاشر، ص ۱۸ و ۲۴۵ از محیی‌الدین میسی یاد کرده و تنها همان مطالب مذکور توسط شيخ حر عاملی و افندی درباره میسی را آورده است.

حواشى با دست خط ديگرى در اين بخش نيز قابل مشاهده است. المقاصد العلية در برگ ۱۲۴ ب پايان يافته و محيى الدين ميسى اشاره کرده که او خود شخصى است که بر نسخه تعليقاتى به علاوة کتابت آن نگاشته است. متأسفانه در تصحيح المقاصد العلية از نسخه اخير استفاده نشده است.

فرغ من تعليقها لنفسه اضعف العباد الراجى المسامحة بيباض صحيفته مرقه فى هذه الظروف من السواد والمؤمل المراجعة باعتياض صنفته بما نظمه... النقوش اهل الانتقال ضاحى نهار الجمعة الجامعة لاشتات فضائل الاعياد تاسع عشر شهر ربيع الاخر من سنة ثلاث وخمسين وتسعمائة من الهجرة مجد الامجاد صلى الله عليه وعلى آله واصحابه والتابعين الى يوم التناد محيى الدين بن احمد بن تاج الدين العالمى عومل باللطف والانتباد.

در پايان رساله سوم، يعنى نتايج الافكار، محيى الدين در انجامة خود نوشته است: «بقلم اضعف العباد محيى الدين بن احمد بن تاج الدين تجاوز الله عن هفواته وصفح عن زلاته» و در حاشيه عبارت بسيار مهم «بلغ عرضا بالاصل» آمده که نشانگر آن است که ميسى نسخه خود را از روى نسخه شهيد ثانى کتابت و با آن مقابله کرده است. انجامة نسخه نتايج الافكار که ميسى نقل کرده تفاوت خاصى با انجامة موجود در تصحيح رساله نتايج الافكار (رسائل الشهيد الثانى، ج ۱، ص ۳۳۳) ندارد جز آن که سه کلمه آخر در انجامة اخير «والحمد لله وحده» به جاي «اللهم اختم بخير» در متن چاپى است. پس از نقل انجامة شهيد ثانى که اهميت آن نشانگر کتابت نسخه از روى نسخه اصل مؤلف است، ميسى در تأکيد بر اين که نسخه را از روى خط شهيد ثانى کتابت کرده، چنين نوشته است:

صورة خط المؤلف ادام الله تأييده واجزل من كل فضل حظّه ومزیده وكشف له عن غوامض حُكمه ودقائق حِكْمه واقضيته انه ولى حميد تحريراً فى اوائل رجب المرجب من شهور سنة ثلثة وخمسين وتسعمائة بقلم اضعف العباد محيى الدين بن احمد بن تاج الدين تجاوز الله عن هفواته وصفح عن زلاته.

ميسى در پايان رساله آخر (تيقن الطهارة) تنها نوشته است که «من تحقيقاته دام فضله وشرفه». نسخه مهم ديگر که به خط ميسى است، نسخه اى مهم از كتاب الرعاية است که ميسى آن را در ۹۶۲ کتابت کرده و در کتابخانه مجلس شورى اسلامى نگهدارى مى شود.

تطابق خط نسخه اخیر با نسخه الرعاية مجلس نشانگر اصل بودن نسخه هاست (شماره ۸۷۴۸).

انجامة نسخه اخیر بسیار مهم و شایسته تأمل بیشتری است. همان گونه که گفته شد در امر کتابت نسخه های خطی، کاتبان سعی می کرده اند حداکثر امکان از نسخه اصل مبیضة مؤلف بهره بگیرند و این نکته به عنوان یکی از نکات جدی در کتاب نسخه مورد اشاره کتاب های جامع در امر تعلیم و تعلم هم چون الدر النضید فی أدب المفید والمستفید بدرالدین غزی (متوفی ۹۸۴) و منیة المرید فی أدب المفید والمستفید شهید ثانی (متوفی ۹۶۵) نیز بوده است. انجامة شهید ثانی که در این نسخه نقل شده، تفاوتی با انجامة چاپ شده الرعاية به تحقیق عبدالحسین محمد علی بقال (قم، ۱۴۰۸) ندارد جز دو مورد. در حاشیه میسی در توضیح معنی هزيع به نقل از شهید ثانی یادداشت کوتاهی آورده است (هزيع الشیء، طائفة منه نحو الثلث او الربع قاله الجوهري. منه). پس از آن باز میسی تأکید بر در اختیار داشتن نسخه اصل و به خط شهید ثانی در کتابت نسخه خود کرده و چنین نوشته است:

صورة خط المصنف ادام الله تعالى ايامه و جلاله و بسط على مفارق العالمين اكرامه و ظلاله ب محمد وآله المتحلين تجلته المصفين ضلاه باليد الفانية الجاثية الطامغة الراجية من العبد المحتاج الى مزيد العفو محيي الدين بن احمد بن تاج الدين الميسى العالمى عاملهم الله بجزيل الافضال ب محمد وآله... من رجب سنة اثنین وستین من بعد تسعمائة والحمد لله رب العالمين وصلوة والسلام على محمد وآله وصحبه اجمعين.

در حاشیه بلاغ مقابله نسخه آمده که بخشی از آن در صحافی از بین رفته و آنچه که می توان خواند چنین است:

بلغت مقابله بحس الجهد والطاقة الا ما زاغ عنه البصر وحسر عنه النظر وذلك فى مجالس متعددة كان آخرها نهار... من شهور...

همان گونه که در تصویر نیز می توان دید، عبارت بزرگ وقف در انتهای نسخه به صورت مورب بر بخشی از نوشتار صفحه آمده است که شاید دلالت داشته باشد که زمانی که نسخه های شهید ثانی و میسی و دیگران افراد خاندان شهید به ایران در روزگار شیخ علی کبیر رسیده، او برای حفظ آن ها، نسخه ها را وقف کرده باشد یا این که بعدها

کسى نسخه را وقف کرده است.^۱

صفحه عنوان نسخه‌هاى خطى

در بررسی نسخه‌هاى خطى، صفحه عنوان (ظهر) نسخه‌هاى خطى اهميت فراوانى دارد و اطلاعات فراوانى بر آن درج مى شده که ساده‌ترین آن‌ها تملک است. در صفحه عنوان نسخه‌اى از کتاب *مختلف الشیعة* علامه حلی (متوفى ۷۲۶) به شماره ۱۲۴۹۵ کتابخانه آیت الله مرعشى که وشاح بن علی بن محمود بن موسى بن رامى (لامعى) بن دخوشى بن محمد بن علی بن محمد بن موسى در سال ۷۲۴ کتابت کرده است. در صفحه عنوان نسخه آخر مطالب جالب توجهی آمده است. در بالای صفحه عنوان به خط کاتب یعنی وشاح، در توصیف مجلد کتابت شده، چنین آمده است:

الجزء الرابع من کتاب مختلف الشیعة فى احکام الشریعة تصنیف المولى الشیخ الامام ملک الافاضل من بداء الدهر ووحيد العصر مرجع الفضلاء مقتدى العلماء سراج الامة وارث الائمة جمال الحق والرأى منصور الحسن بن الشیخ الفقیه المتعبد سدید الدین یوسف بن المطهر قدس الله نفسه وطیب رسمه بحق الحق والملة.

در پایان عبارت اخیر مطلبی در خصوص بیع نسخه آخر آمده که فرد خریدار نسخه، عالم برجسته عصر صفوی، علی بن هلال منشار کرکی (متوفى ۹۸۴) است. عبارت بیع چنین است:

قد دخل هذا الكتاب الفقهی فى ممتلكات المحرم المکرم بركة الصلحایى الامم صاحب المواهب والاحسان الشهير بين الانام بمیرزا جان بن المرحوم المبرور المتوج المحبور الامیر جمال الملة والدنيا والدین محمد الاصفهانی بالاتباع الشرعى الصحیح المعتبر المرعى من الحسیب النسیب الاصل اللیب التقى النقى شمس الملة والدنيا والدین محمد بن المرحوم المختوم له بالسعادة الاخریة الحاوی للفضائل الدینیة والدنیویة الشیخ تاج الملة والدین حسن الجامعى الجبل عاملی بثمان معلوم محال به فى المجلس وكان ذلك فى الخامس من شهر ذى القعدة الحرام من سنی ست واربعین وتسعمائة وكتبه اقل عباد الملك العلی علی بن هلال الکرکی عامله الله بلطفه الخفی واقفا علی ذلك...

۱ برای توصیف نسخه بنگرید به: سید جعفر حسینی اشکوری، فهرست نسخه‌هاى خطى کتابخانه مجلس شورای اسلامى (تهران، ۱۳۸۸ش)، ج ۲۸، ص ۲۴۳.

در حاشیه پایین عبارت مذکور در سمت راست عبارت المنسوب الی... کتبه محمد بن حسن الجماعی عفی الله و «شهد بذلك اقل عباد الله الفقیر علی بن احمد الجبعی لطف الله به» آمده است. همان گونه که در گوشه سمت راست بالای صفحه عنوان می توان دید نسخه را در بعد کسی به نام حسان بن شیخ قاسم الدلبزی در روز چهارشنبه شعبان سال ۱۲۱۵ خریداری کرده است (اشتره حسان بن شیخ قاسم الدلبزی يوم الرابع فی شعبان سنة ۱۲۱۵).

عبارت اخیر نمونه ای جالب توجه از بیع نسخه های خطی است که بر همان الگوی شرعی بیع یعنی حضور دو گواه عادل نیز در آن به چشم می خورد (برای توصیفی از نسخه بنگرید به فهرست مرعشی، ج ۳۱، ص ۵۳۶-۵۳۷) که در آن هویت علی بن هلال کرکی که همان علی بن هلال بن منشار کرکی شاگرد برجسته محقق کرکی (متوفی ۹۴۰)، شیخ الاسلام اصفهان و پدرزن شیخ بهایی است، مورد توجه قرار نگرفته است.

محمد بن علی جبائی و چند نکته ای درباره آن

در جریان تحقیق و پژوهش زندگی شهید ثانی، با نامی برخورد کردم به نام محمد بن علی جبائی که البته گاه به صورت جبانی یا حیانی نیز یاد شده و شهرت اصلی او در نقل رویایی است که در کتاب الدرالمشور و پس از نقل مطالبی از کتاب بغیة المرید ابن عودی، شیخ علی کبیر خواب اخیر را به اوراق باقی مانده از کتاب ابن عودی متصل بوده، آورده و البته دقیقاً دانسته نیست که خواب مذکور بخشی از کتاب ابن عودی بوده یا خیر؟ (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۲، پانویس ۱). اما محمد بن علی جبائی کیست و اصلاً تلفظ صحیح نام او چیست؟ و شهرت او به جبائی تصحیف حیانی یا جباعی نیست؟ خوشبختانه نکاتی در خود خواب نقل شده، وجود دارد که می تواند تا حدی در این خصوص به ما کمک کند. اول آن که خواب نقل شده در کتاب الدرالمشور (ج ۲، ص ۱۹۲-۱۹۷) از آغاز اندکی افتادگی دارد و متن کامل خواب در ریاض العلماء (ج ۲، ص ۳۷۷-۳۸۱) نقل شده است. مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعة، اظهار کرده که نام جبائی تصحیف نام حیانی در اشاره به روستای بنی حیان در جبل عامل است و فرد اخیر را یکی از عالمان عاملی معرفی کرده با این حال در خواب نقل شده محمد بن علی جبائی تصریح کرده که او بعد از سفری طولانی و تحمل دشواری های فراوان به جزین رسیده است (...أنا وصلنا بعد مشقة الاسفار ومقامات الاخطار الی قریة جزین...، ریاض العلماء، ج ۲، ص ۳۷۷) که دلالت روشنی دارد که او اهل جبل عامل که وی به

تصريح آن جا را بلاد غربيه (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۲) نام برده، نيست؛ کما اين که در جايى ديگر از خواب او اشاره به خوراک متداول در زادگاهش، خرما و شير دارد که نشانگر عدم تعلق او به جبل عامل است (الدرالمشور، ج ۲، ص ۱۹۵). بر اساس چند مطلب اخير فرض جبل عاملى بودن فرد اخير منتفى است و براى يافتن صورت صحيح شهرت او، جبائى، حيانى، جبائى نبايد به دنبال نام تصحيف شده مکانى در جبل عامل فکر کرد. خوشبختانه چند نسخه خطى در دست است که کاتب آن ها همين فرد مورد بحث يعنى محمد بن على جبائى است از جمله نسخه‌اى از کتاب *تحفة الفتى فى تفسير سورة هل اتى* که با عنوان *تفسير سورة الانسان* نيز شناخته مى شود و نويسنده آن غياث الدين منصور بن محمد دشتكى شيرازى است. *تفسير تحفة الفتى* بر اساس چند نسخه منتشر شده است (به تحقيق خانم پروين بهارزاده، ميراث مکتوب، ۱۳۸۱) و البته از نسخه مورد بحث با وجود قدمت آن استفاده‌اى نشده است. نسخه اخير که با عنوان *تفسير سورة الانسان* معرفى شده در کتابخانه آيت الله مرعشى نجفى به شماره ۱۱۲۵۲، رساله اول مجموعه اخير ثبت شده است. در انجامة نسخه اخير که تصويرى از آن در فهرست نسخه‌هاى خطى کتابخانه آيت الله مرعشى، جلد ۲۸، ص ۷۶۹ نيز آمده، انجامة نسخه چنين است:

قد تشرف بشرف كتابة تفسير سورة الانسان الذى الفه من هو انسان العين وعين الانسان واحكم المحكماء واعلم العلماء من زمن آدم عليه السلام الى الآن - خلد الله ظلال افادته على مفارق علماء الزمان وجعله كاسمه السامى غوثاً للعالمين - غياثاً للعالمين منصوراً لاحكام احكام القرآن باصح وجه واوضح بيان المفتقر الى رحمة ربه الولى عبده محمد بن على الجبائى غفر الله ذنوبها بمحمد وآله وكان ذلك فى المدرسة الغياثية المنصورية الواقعة فى بلدة شيراز فى يوم السبت لعشرين خلون من ربيع الاول سنة ۹۵۷.

عبارت انجامة اخير البته خود مشکلات خاصى دارد و آن تصريح به زنده بودن غياث الدين منصور دشتكى در سال ۹۵۷ است، با اين حال اکنون پرسش قابل طرح اين است که نسخه اخير به خط مؤلف است يا توسط کاتبى در بعد کتابت شده و انجامة اخير توسط کاتب دوم بازنويسى شده است؟ آن چه که مى تواند ما را در پاسخ به اين پرسش راهنمايى کند، دو نکته است: نخست در مجموعه دستور دانشگاه تهران به شماره ۲۱۴۴ نمونه دست خط محمد بن على

جبائی هست و مقایسه دو دست خط می تواند در صحت اصالت خط دو اثر که هر دو به خط جبائی است به ما کمک کند. نکته بعدی کتابت عدد چهار به صورت عدد پنج است و در حقیقت تاریخ کتاب نسخه بر خلاف آن چه که در آغاز نشان می دهد ۹۴۷ است و شکل اخیر یکی از موارد کتابت عدد ۴ به صورتی است که به راحتی با عدد ۵ اشتباه می شود.

این نکته را باید متذکر شوم که معاصر با محمد بن علی جبائی، عالم دیگری از اهالی جبل عامل به نام محمد بن علی حیانی - منسوب به روستای بنی حیان - در قید حیات بوده که مدتی در نجف سکونت داشته و از شاگردان شهید ثانی بوده و زمانی که قصد سفر به ایران داشته، شهید ثانی برای او به شخصی در مشهد، توصیه نامه و معرفی نامه ای نوشته است. این مطلب که شخص اخیر نباید با محمد بن علی جبائی یکی باشد بر اساس قصیده ای است که از حیانی باقی مانده که در آن جا به هویت خود و تعلقش به شام - یعنی جبل عامل - اشاره کرده در حالی که از اشاره محمد بن علی حیانی دانسته است که او از اهالی جبل عامل نبوده است (برای تفصیل مطلب بنگرید به: مستدرکات اعیان الشیعة، ج ۲، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ اعیان الشیعة، ج ۱، ص ۱۷۷، ج ۵، ص ۹۲، ج ۷، ص ۱۴۳، ج ۹، ص ۲۶۹-۲۷۱).

تکمله

در مراجعه به کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی و رؤیت نسخه ۱۲۸۳۶ از کتاب تحریر الاحکام به چند مطلب برخورد کردم که تذکر آن ها سودمند است. نخست آن که نسخه اخیر مشتمل بر کتاب النکاح تا پایان جزء دوم کتاب است و جزء سوم کتاب که مشتمل بر مباحث ایقاعات است در مجلد دیگری از کتاب بوده که اکنون از سرنوشت آن اطلاعی نداریم (در برگ ۱۷۹ نسخه انجامة نسخه ذکر شده است؛ «تم الجزء الثانی من کتاب تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة بحمد الله تعالی و منّه علی ید مصنفه حسن بن یوسف بن مطهر فی مستهل جمادی الآخرة سنة احدى وسبعین و سبعمائة و... یتلوه فی الجزء الثالث... فی ایقاعات... و فرغ من تعلیقه لنفسه عبدالله بن مسیب المسلمی فی جزین اللیلة الثامنة من شهر الله الاصب سنة ثمانمائة و اربع و ستین هجرية...»). در برگ ۱۲۴ الف ب انہائات و اجازاتی آمده که تصویر برگ ۱۲۴ ب در فهرست نسخه های خطی، جلد ۳۲، صفحه ۱۱۳۴ آمده است. نسخه همان گونه که در اجازه محمد بن محمد بن مؤذن جزینی به علی بن عبدالعالی میسی آمده، دارای حواشی از محمد بن مؤذن است که با علامت م در سراسر نسخه ذکر شده است

که بسیار بااهمیت است. در اجازه‌ای که در برگ ۱۲۴ آمده و متن آن در پاورقی نقل شده، شخص مجیز خود را محمد بن حسام معرفی کرده است؛ وی ظهیرالدین محمد بن زین‌الدین علی بن حسام ظهیری عینائی است که عماد بن علی جرجانی در ۸۶۱ به او اجازه داده و خود وی از پدرش زین‌الدین علی بن حسام از برادرش جعفر بن حسام از حسن بن نجم‌الدین از شهید اول اجازه روایت داشته است (طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فى القرن التاسع، ص ۱۲۶-۱۲۷). از اعقاب ظهیرالدین محمد، شیخ حسین بن حسن بن یونس ابن یوسف بن ظهیرالدین محمد بن زین‌الدین علی بن حسام ظهیری عاملی عینائی رامی شناسیم که استاد شیخ حر عاملی بوده و به وی در ۱۰۵۱ اجازه داده و محمد امین استرآبادی جوابات المسائل الظهیریة را در پاسخ به او نوشته است (بنگرید به: الذریعة، ج ۵، ص ۲۲۷). سلسله نسبی که آمده مشخص‌کننده این است که ظهیرالدین محمد دست‌کم فرزندی به نام یوسف داشته است. ظهیرالدین محمد، برادری به نام حسین داشته است که آقا بزرگ مطالبی که درباره وی یافته را در طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فى القرن التاسع، ص ۴۹ آورده است. در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، مجموعه طباطبائی، نسخه‌ای از تحریر الاحکام به شماره ۲۳۳ (معرفی شده در فهرست، ج ۲۴، ص ۱۶۴-۱۶۵) که در آخرین برگ آن انهایی به قلم حسین بن علی بن حسام در ۸۸۵ به برادرزاده‌اش که به احتمال قوی همین یوسف بن ظهیرالدین محمد باشد، داده است (انهاه أیده الله تعالی قراءة وفهماً وضبطاً وفقه الله وایانا المراضیه واعانه وایانا علی امتثال اوامره و... نواهیة وذلک فى مجالس متعددة آخرها نهار الثلاثاء لثلاث لیل لن بقین من شهر صفر ختم بالخیر والظفر من شهور سنة سبع وثمانین وثمانائة هجرية علی مشرفها السلام وکتب احقر عباد الله تعالی عمه حسین بن علی بن الحسام حامداً مصلياً مسلماً مستغفراً). در هر حال مطلب جالب توجه این است که اکنون تصویر دست‌خط هر دو برادر یعنی ظهیرالدین محمد و حسین بن حسام عاملی عینائی را در اختیار داریم. نسخه اخیر نیز از روی نسخه مرعشی کتابت شده است. نسخه مرعشی به گواهی محمد بن مؤذن از روی نسخه اصل کتابت شده است.

نکته دیگر آن که نسخه مجلس از کتاب الطهارة آغاز شده و تا پایان جزء دوم کتاب تحریر الاحکام و آغاز کتاب ایقاعات که در جزء دوم کتاب قرار داشته، خاتمه می‌یابد.^۱ درباره

۱. اطلاعات اندکی درباره اجداد خاندان آل حسام وجود دارد. حسام جد اعلاى خاندان دو پسر به نام‌هاى

ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام نسخه ای از کتاب *نهایة الاحکام* علامه حلی در کتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸ موجود است که علی بن عبدالعزیز استرآبادی از کتابت جزء اول آن در روز شنبه اوایل ذی الحجة ۸۶۰ فراغت حاصل کرده و ظاهراً همو نسخه را نزد ابن حسام خوانده و انهایی از ابن حسام در برگ ۱۲۰ ب نسخه آمده که چنین است:

« انما ایده الله تعالی بعنایتہ و وقفہ للخیر و ملازمة طاعته قرأة مہذبة مرضیة تشهد بفضله و تدل علی نبلة فی مجالس متعددة آخرها عاشر شهر رمضان المعظم قدره سنة اثنتين و ستین و ثمان مائة و کتب العبد الفقیر الی الله تعالی محمد بن علی بن حسام عفی الله عنہم حامداً مصلياً مستغفراً و الحمد لله وحده و صلی الله علی نبیہ و علی آله و صحبہ و سلم»^۱.

جعفر و علی داشته است. جعفر بن حسام از مشایخ مهم شیعه در عیناا بوده که از نجم الدین حسن بن ایوب اطراوی اجازه روایت داشته است. از وی برادرش، زین الدین علی بن حسام و علی بن محمد بن دقاق روایت کرده اند (بنگرید به: آقابزرگ، طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع، ص ۷۸-۷۹، ۹۲). درباره فرزندان جعفر اطلاع خاصی در دست نیست اما برادرزاده های وی یعنی ظهیرالدین محمد (زنده در ۸۵۲) و عزالدین حسین (زنده در ۱۳ رجب ۸۷۳) از فقیهان برجسته ساکن در عیناا بوده اند. جعفر بن علی بن محمد بن حسام عینائی در روز دوشنبه ۲۱ رجب ۸۶۴ از کتابت بخشی از ابتدای کتاب قواعد الاحکام علامه حلی فراغت حاصل کرده است. نسخه اخیر به شماره ۳۳ در کتابخانه مدرسه جعفریه قائن موجود است و تصویری از آن نیز در مرکز احیاء میراث اسلامی ایران (فهرست نسخه های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۵، ص ۱۶۴) نگهداری می شود. نسخه اخیر ظاهراً در اختیار شیخ بهایی بوده است. در کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۲۲۷۶ نسخه ای کامل از تحریر الاحکام وجود دارد که باید از همان نسخه در اختیار ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام کتابت شده باشد. کتابت نسخه را عماد بن علی جرجانی در ۱۲ صفر ۸۶۰ به پایان برده و سپس کتاب را بر ظهیرالدین محمد بن علی بن حسام عینائی خوانده و از وی در ۷ ربیع الثانی ۸۶۱ اجازه ای گرفته است (انهاه آدام الله توفیقه و سهل الی سعادة الدارین طریقه قرأة مہذبة مرضیة قرأة بحث و تدقیق و کشف و تحقیق فی مجالس متعددة آخرها ۷ ربیع الثانی سنة ۸۶۱). بنگرید به: السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبة العلامة الحلی، ص ۸۷، ۸۹. ابن فهد حلی (متوفی ۸۴۱) المسائل الشامیة الاولى خود را در پاسخ به پرسش های ظهیرالدین محمد بن حسام عاملی نگاشته است. بنگرید به: سید حسین مدرسی طباطبائی، مقدمه ای برفقه شیعه، ص ۱۵۵.

۱. برای معرفی نسخه *نهایة الاحکام* بنگرید به: سید محمد حسین حکیم، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران، ۱۳۹۰ش)، ج ۲۹، بخش ۲، ص ۶۴۲-۶۴۳. علی بن عبدالعزیز استرآبادی همچنین نسخه ای از قواعد الاحکام علامه حلی را کتابت کرده که مجلد اول آن تا آخر احکام وصیت به شماره ۱۱۶۳ در کتابخانه آیت الله مرعشی موجود است. در صفحه آخر بلاغ مقابله و اجازه محمد بن علی بن الحسام به تاریخ دوشنبه آخر ربیع الثانی ۸۶۴ به شیخ عزالدین حسین بن محسن آمده است (اجزت للشیخ حسین بن

نکته جالب توجه تشابه دست خط نسخه‌های ۹۰۲۸ و ۲۳۳ طباطبائی است و می‌توان گفت که کاتب نسخه طباطبائی نیز ظاهراً علی بن عبدالعزیز استرآبادی است. شواهد اخیر نشانگر آن است که جبل عامل پیش از ظهور صفویان مرکزیت علمی قابل توجهی یافته بود و به دلیل حضور فقیهان برجسته در آنجا، برخی عالمان شیعه برای تحصیل به آنجا سفر می‌کرده‌اند که شواهد تاریخی دیگری نیز برای تأیید این مطلب وجود دارد.

یکی از عالمان کمتر شناخته شده جبل عاملی، شخصی است به نام محمد سمیطاری که نام وی به صورت‌های ذکر شده در بحار الانوار (ج ۱۰۴، ص ۲۸)، طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع فی القرن التاسع، ص ۱۲۳ (منبع بحار مجموعه جباعی بوده و مرحوم آقابزرگ نیز از بحار آن را نقل کرده)؛ محمد المطاری (طبقات اعلام الشیعة: الضیاء اللامع، ص ۱۳۱-۱۳۲) و یا شمسطاری آمده است. با این حال مراجعه به اصل نسخه جباعی نشانگر آن است که نام اخیر ظاهراً اگر نسخه را درست خوانده باشم، سمسطاری است. شخص اخیر نواده دختری شمس الدین محمد بن عبدالعالی بن نجدة کرکی (متوفی ۸۰۸) است که در مجموعه جباعی تاریخ درگذشت او شب آخر صفر (سرار صفر) ۸۷۴ ذکر شده است. درباره او دانسته است که علی بن تاج الدین بن فضل الله انصاری نسخه‌ای از کتاب ایضاح الفوائد فخرالمحققین را در شب سه شنبه ۸۷۰ در روستای کرک نوح کتابت کرده و گفته که وی نسخه اخیر را در مدرسه شیخ الاسلام شیخ محمد شمسطاری (که ظاهراً باید آن را شمسطاری یا شمیطاری خواند) کتابت کرده است. بنگرید به: فهرست گوهرشاد، ج ۴، ص ۱۹۰۱). شمیطاری دو سال قبل از وفات خود، به سید عزالدین حسین بن نورالدین علی حسینی که نسخه‌ای از کتاب الدروس شهید اول را در کرک نوح در تاریخ روز یکشنبه ۲۳ رجب ۸۷۱ کتابت کرده، اجازه‌ای داده که متن آن را آقابزرگ در طبقات اعلام الشیعة، الضیاء اللامع، ص ۴۸-۴۸ و بندهایی از آن را در همان کتاب صفحه ۱۳۱-۱۳۲ آورده است. براساس اجازه اخیر شمیطاری از شاگردان و مجازان از

محیسن دام ظلّه ان یروی جمیع ما... هذا الكتاب من النقل فقد صح عندی فلیرو ذلك لمن شاء واجزت فهو لذلك اهل وكتب العبد الفقير الى الله تعالى محمد بن علی بن الحسام عفا الله عنهم بمنه وكرمه وذلك اللیتین لن بقیة من شهر ربیع ثانی سنة اربع و ستین و ثمانائة). به احتمال قوی نسخه اخیر از جمله آثار کتابخانه شهید ثانی بوده است. تصویر آغاز و انجام نسخه در بخش تصاویر آمده است. توصیف آن بنگرید به: سید احمد حسینی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه عمومی حضرت آیه الله العظمی نجفی مرعشی، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸؛ السید عبدالعزیز الطباطبائی، مکتبه العلامة المحلي، ص ۱۴۹.

حسن بن عشره کسروانی بوده است. مرحوم آقا بزرگ در چند جا شرح حال محمد بن احمد بن محمد شمیطاری را در طبقات اعلام الشیعة (الضیاء اللامع) آورده است از جمله در صفحه ۱۳۱ و نسبت او را المطاری خوانده و بیان کرده اند که شاید شهرت مطاری اشاره به مطیر آباد / مطار آباد از نواحی اطراف حله داشته باشد که با توجه به قرائت صحیح نام وی یعنی شمیطاری و اینکه وی نواده ابن نجده کرکی است، گفته اخیر که به واسطه قرائت شهرت او به مطاری آمده، نمی تواند صحیح باشد. آقا بزرگ در ادامه شرح حال اخیر اشاره به اجازه داده شده از سوی شمیطاری به حسین بن علی سبزواری حسینی کرده که در آن وی خود را از نوادگان ابن نجده معرفی کرده بر این اساس گمان می کنم که مطالب گفته شده درباره مطیرآبادی بودن شمیطاری از اضافات مرحوم منزوی باشد. در خصوص تاریخ درگذشت ابن نجده آقا بزرگ مطلبی را که جباعی در مجموعه خود آورده و در بخش اجازات بحار الانوار نیز نقل شده آورده است. تعبیر سرار صفر به معنی شب آخر ماه صفر است که در متن طبقات به واسطه خطای چاپی سراء آمده است. مراجعه به نسخه خطی طبقات اعلام الشیعة نشان داد که مرحوم منزوی در عبارت آقا بزرگ دخل و تصرفی کرده است؛ عبارت آقا بزرگ چنین است: «الشیخ محمد بن احمد بن محمد المطاری کما یقرأ خطه ولعلها من محال کرک»، بر این اساس عبارت: «ولعله نسبة الی مطیرآباد (مطارآباد) من نواحی الحلة واهلها اکراد» از اضافات مرحوم منزوی است و به دلیل ناآشنایی ایشان با ابن نجده است چرا که آقا بزرگ به درستی به این مطلب توجه داشته که ابن نجده از عالمان کرک نوح است.^۱ در کتابخانه آیت الله مرعشی، نسخه ای از کتاب التنقیح الرائع لمختصر الشرایع فاضل مقداد سیوری (متوفی ۸۲۶) وجود دارد (شماره ۳۵۶۶) که سید حسین بن سید مرتضی ابراهیم حسینی ساروی از کتابت جلد اول آن را در روز چهارشنبه ۲۲ صفر ۸۶۷ فراغت حاصل کرده و کتابت جلد دوم آن را در روز پنجشنبه ۸ ربیع الثانی ۸۶۷ به پایان رسانده است. درباره محل کتابت نسخه اطلاعی در نسخه نیامده است. در پایان جلد اول، محمد بن احمد الشمیطاری که کاتب نسخه رانزد او خوانده، اجازه

۱. موارد دخل و تصرف های مرحوم منزوی در طبقات فراوان است، به عنوان مثال در احیاء الدائر من القرن العاشر، ص ۸-۹ و در شرح حال مقدس اردبیلی، دو سوم عبارت آمده در شرح حال ایشان از اضافات مرحوم منزوی است و عبارت مرحوم آقا بزرگ در پایان عبارت ألفها باسم ولده أبی الصلاح تقی الدین محمد، پایان می یابد و تمام عبارت آمده در ادامه مطلب از اضافات منزوی است.

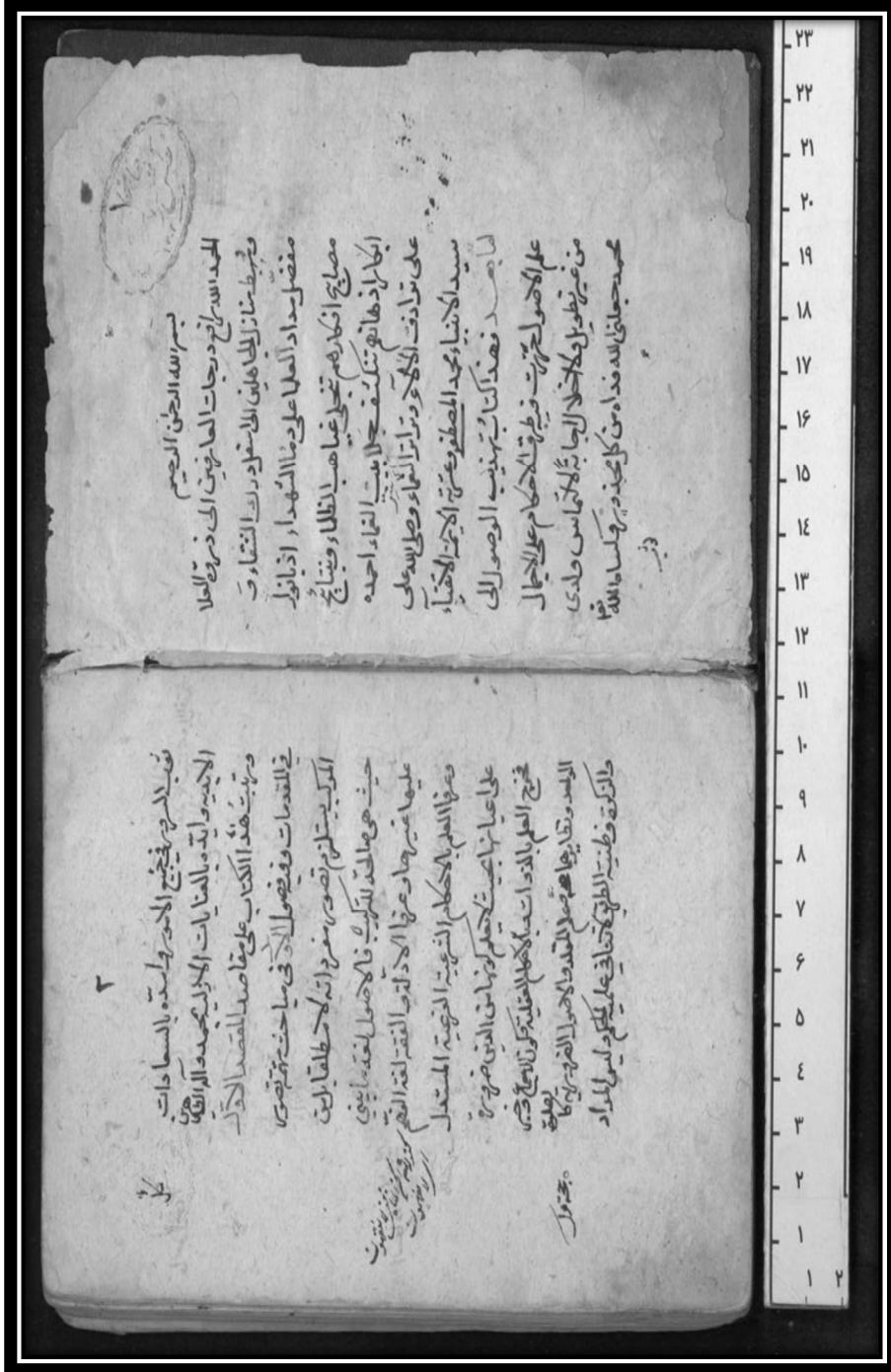
روایتى در انجام جلد اول برای کاتب نوشته است که متن آن در حاشیه اندکی بریدگی دارد و تا آنجا که می‌توان آن را خواند، چنین است:

«قرأ علیّ مولانا الإمام الأعظم العالم العلامة صاحب النفس القدسیة والأخلاق المرضیة السید الحسیب النسب فرع الشجرة الأحمدیة والمرتضویة العلویة السید عزالدین حسین بن السید مرتضی .. الساری منشأ و مولداً کتاب التتقیح الرائع المختصر من تصانیف شیخنا و امامنا ابی عبد الله المقداد السیوری تغمده الله برحمته و اسکته اعلا غرف جتته من اوله الی (آخره؟) قراءة مرضیة تشهد بفضله و ... مزید علمه و سأل فی اثنائها عما اشکل علیه معضلاته و ... من تردداته فأجبت عن ذلك بحسب جهدی و طاقتی و قد ... له اطال الله ایامه رواية هذا الكتاب ... عنی عن الشیخ الفاضل المرحوم زین الدین .. الزاهد عن المصنف فلیرو ذلك لمن شاء و أحب سالکاً طریق الاحبة ... لذلك و کتب أضعف العباد ... الخائف من هول یوم التناد ... محمد بن احمد الشمیطاری».

انهاء و اجازة اخير که به خط خود شمیطاری است، جای تردیدی باقی نمی‌گذارد که باید حرف نخست نام او را شین خواند، چرا که اولاً به وضوح در نسخه به صورت شین کتابت شده و دیگر آنکه در نسخه جباعی نیز به صورت سین بدون علامتی که حرف مذکور را نباید شین خواند، آمده که نشان می‌دهد در آنجا نیز باید حرف مذکور را شین خواند. در پایان جلد دوم شمیطاری، بلاغ انهاء دیگری نیز برای به تاریخ نیمه رمضان ۸۶۹ نوشته است.^۱



۱. تصاویر نسبتاً واضحی از انجامه‌های نسخه‌التتقیح با دست خط شمیطاری در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۹، تصاویر ۱۴۱، ۱۴۲ و ۱۴۳ آمده است. توصیف کوتاهی از نسخه نیز در همان مجلد، صفحه ۳۵۴ آمده و توصیف مفصلتری را نیز دوست گرامی آقای حافظیان در فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۵۹۶-۵۹۸ آورده است.



(تصوير شماره ١)



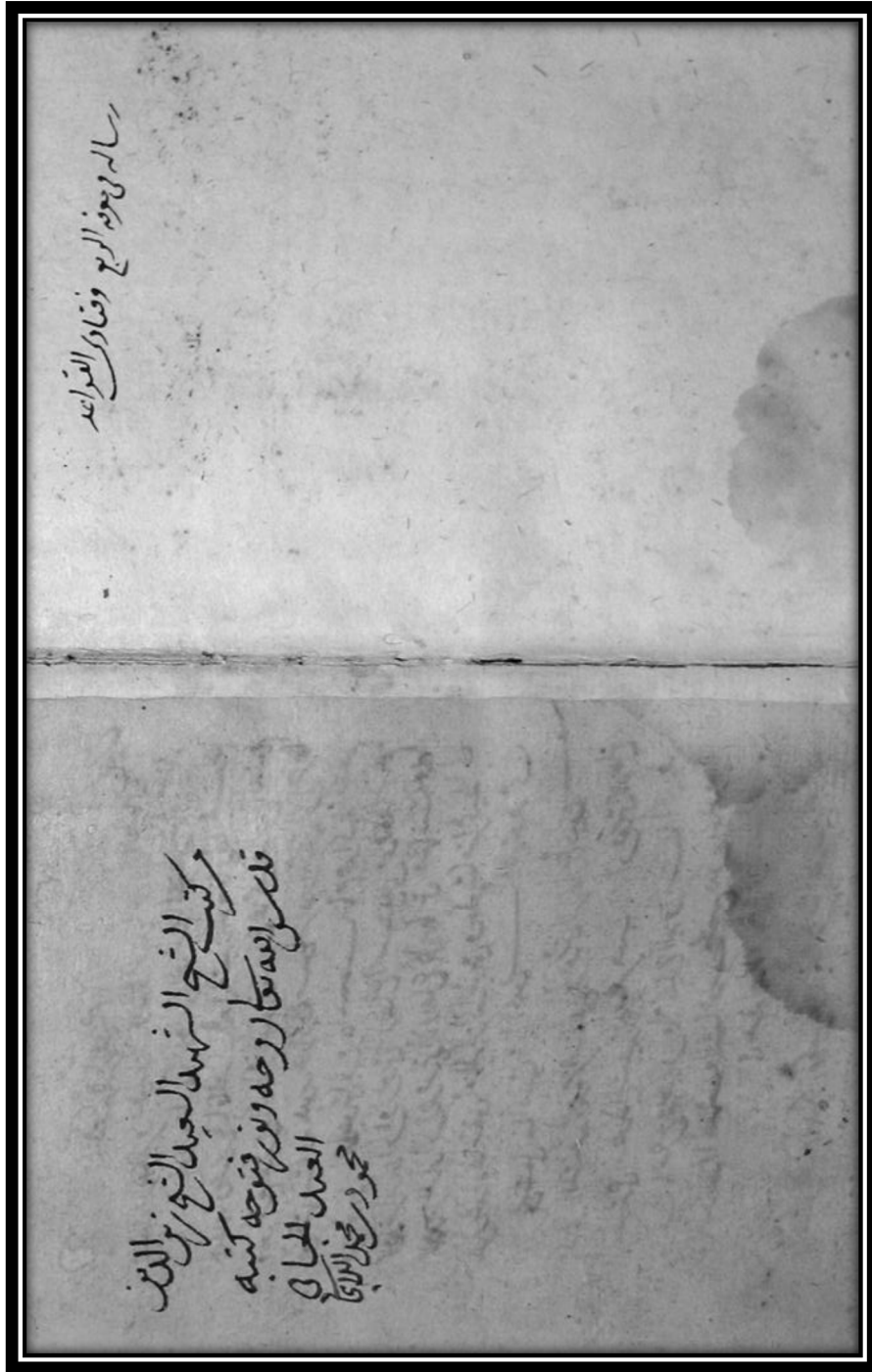
(تصویر شماره ۲)



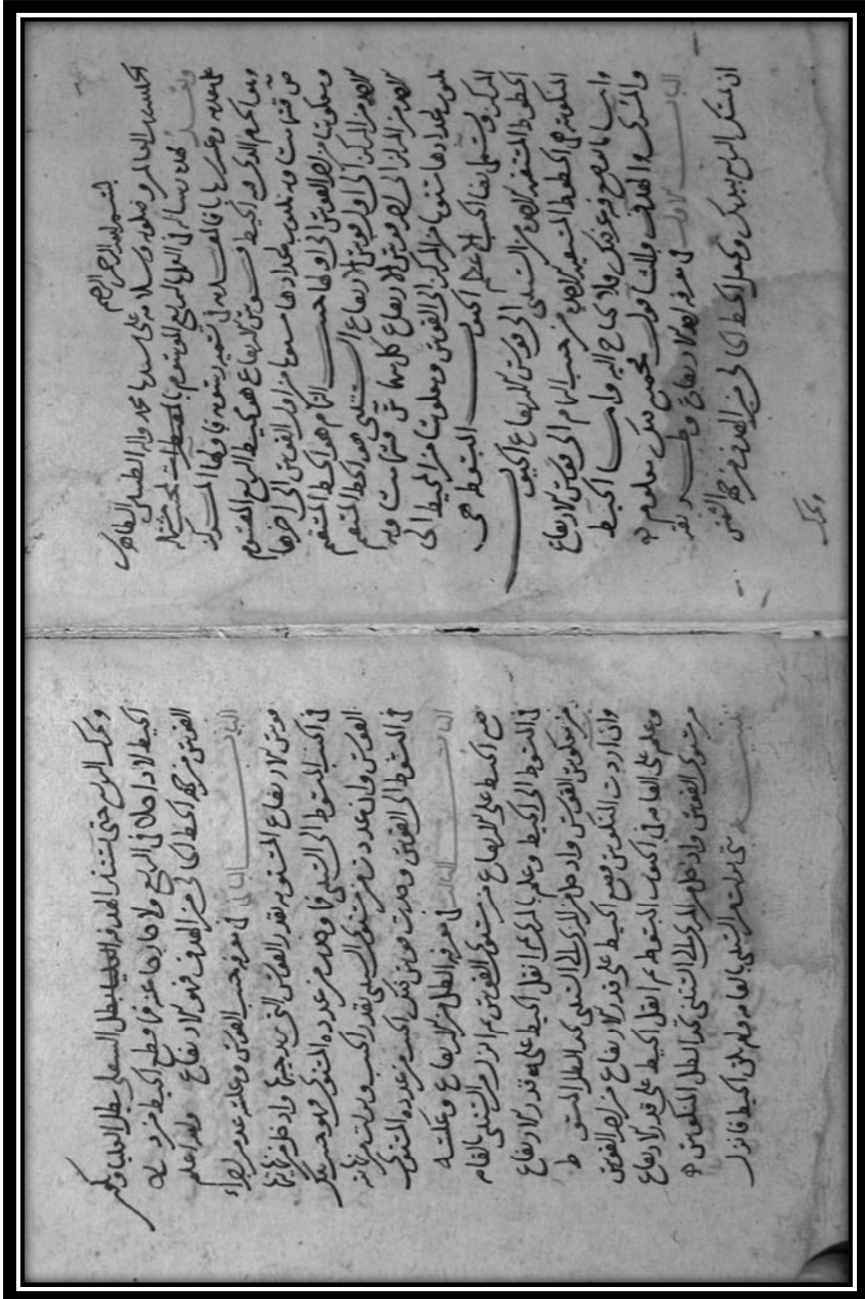


(تصوير شماره ٣)





(تصویر شماره ۴)

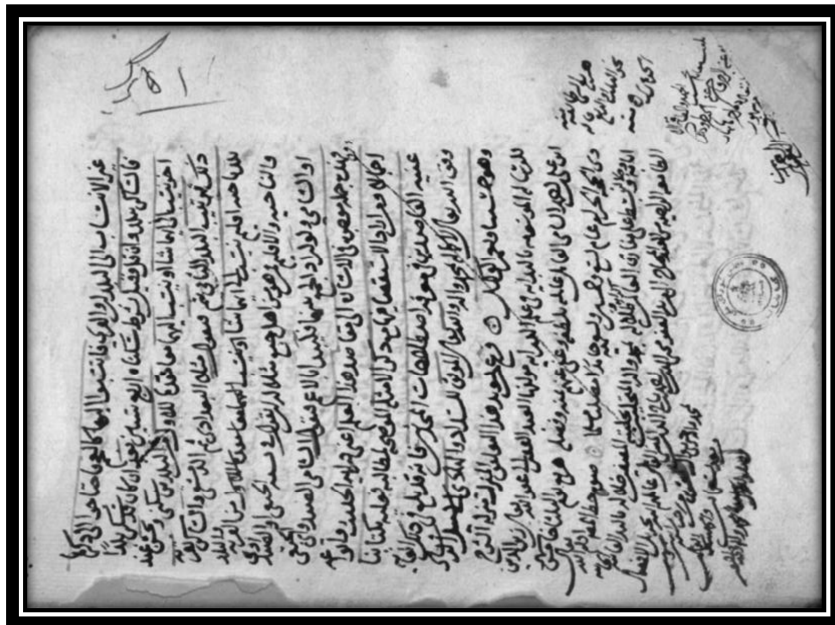


(تصوير شماره ٥)



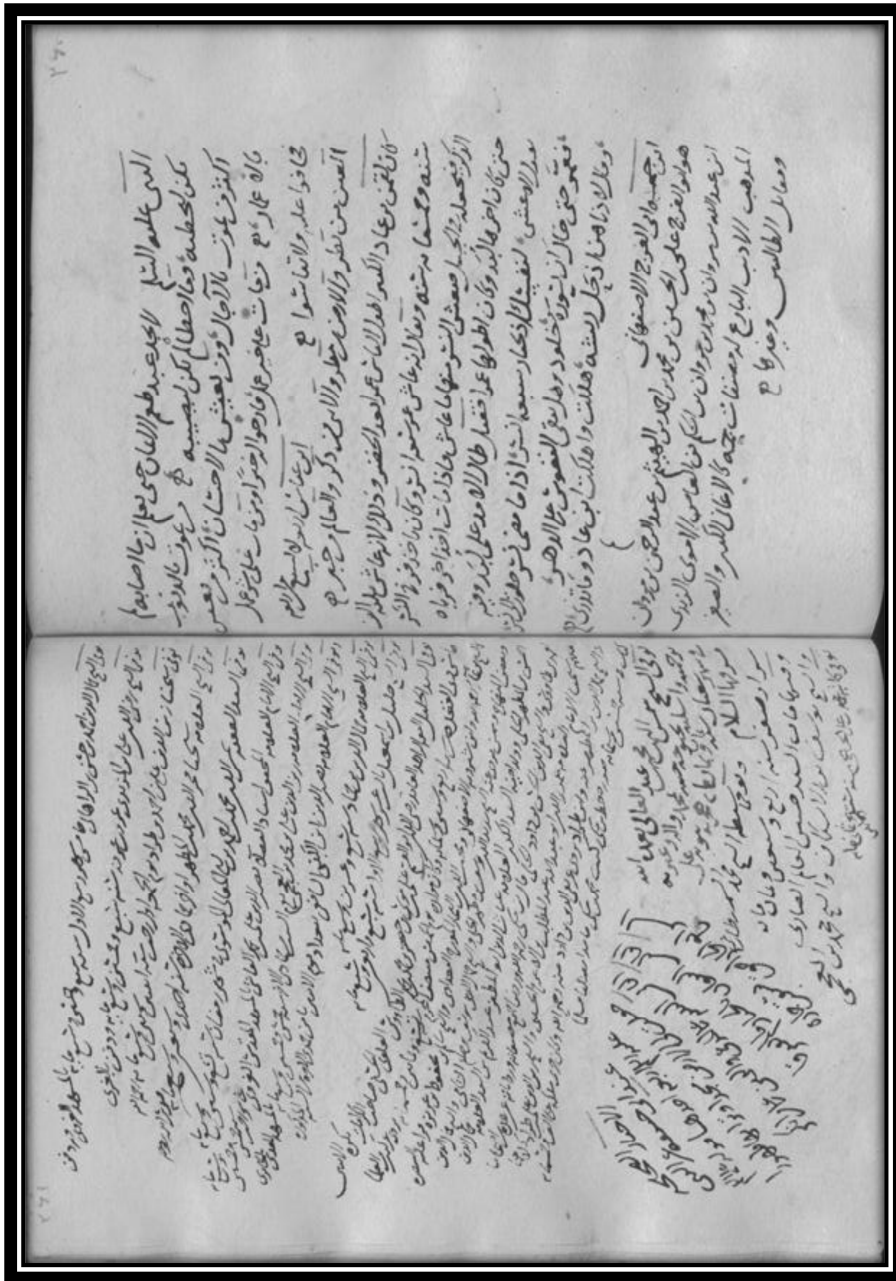


(تصویر شماره ۱۰)



(تصویر شماره ۱۱)





(تصویر شماره ۱۲)

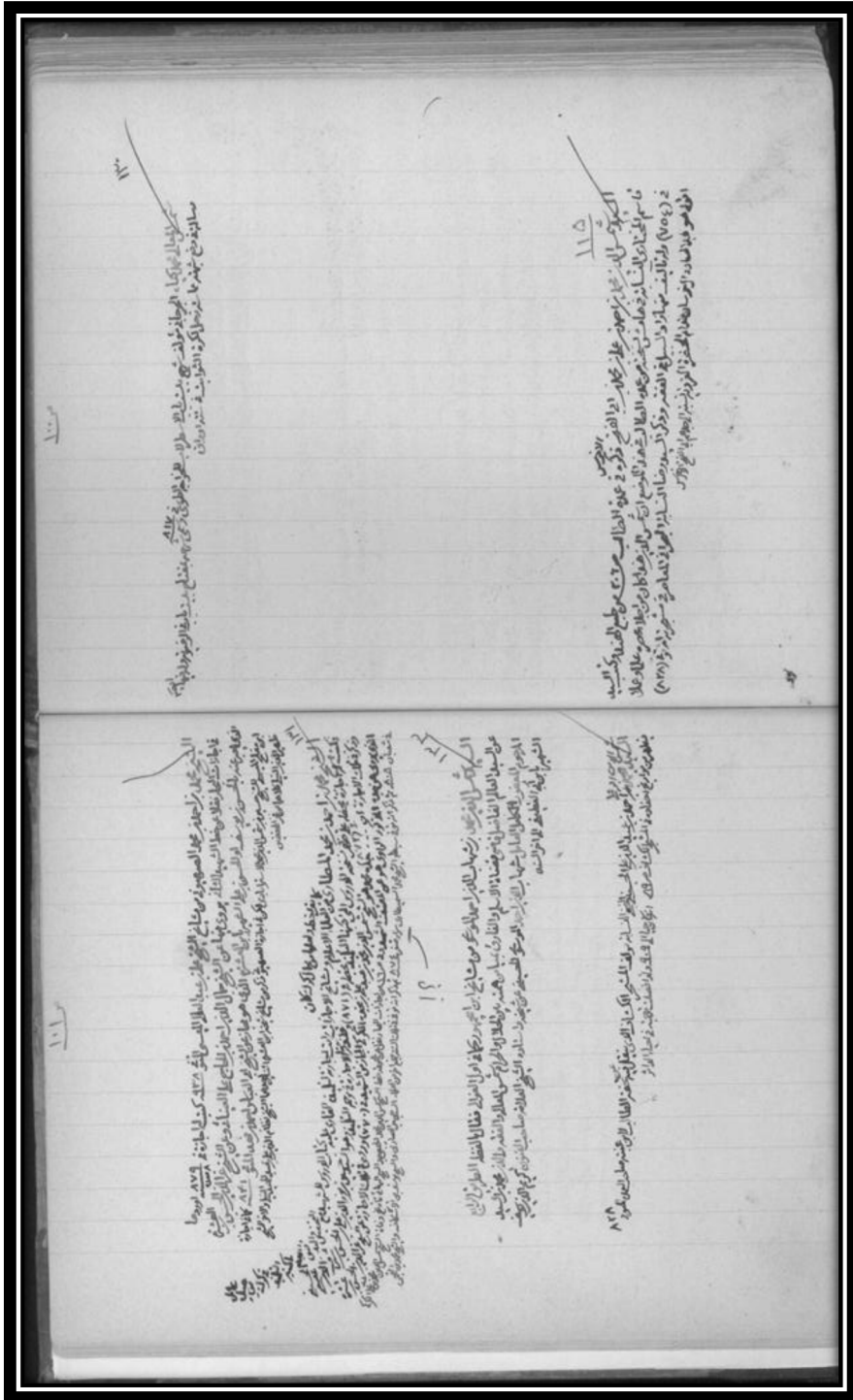


كفالتى التقرية ان براك صاحب المصيبة قال الشيخ كره المجلس المشرفة بومين وائتة وائتة ابن اربى لانه تراور مستحب
 ويخون ان هين صاحب المصيبة عن فقيه ارسال طرف العامة واخذ منور فخرها قال الشيخ على الاب واللاج الاخيرها
 والوجه عندك اجوار لان الصادق يعلم لما مات اسحبل سدم المبرور غير ردا ولا خذاد وقال علم ينسج صاحب
 المصيبة ان يضع رفاه حتى يعلم الناصر ان صاحب المصيبة وقد عرض وضع الرداء عن مصيبة التغيير يستحب اصلاح
 طعام لاهل الميت يبعث به اليهم اجماعا اعانة لهم وجبر الطلوبهم ولاتهم شتغالون بصياهم والواردين اليهم
 من اصلاح طعام لانفسهم ولما جاء نعي جعفر علم قال صلى الله عليه وسلم اصنعوا الآل جعفر طعاما فانقلناهم امر
 شغلهم وقال الصادق علم لما قبل جعفر ام جعفر لانه فاطمة علم ان تاتي امه بنت جعفر فساها وان تضع لهم
 طعاما لمتها لم تجرت بذلك السنة مستحب زيارة المقابر لقوله علم كنت نيتكم عن زيارة القبور فزورها
 فانها تدرك الموت وقال الرضا علم من اتي قبر اخيه المؤمن من اى ناحية فصعد وقرا انا انزلنا سبع مرات
 انما يلقى الاكبر ولا يركب ذلك لئلا تقاتلها عليها السلام كانت اتي قبور الشهداء في غداة كل سنة تقا
 توجرت وتوحم عليه وتستغفر له ثم انخر الاله كذا كذا الحكم من هذه الاحكام بعلمه في سنة ١٠٠٠ هـ

كنا الركاه على يدى اضعف الاله اضعفهم الاعترافه
 انها امة لسبح عبادته على عبد العزى اللسان في اربع اقربته
 دو وهم لغيره ومن رضى طاعة شيوخ ما باقى الى المائى
 وراه مهنه مرضيه شهيد اجمع اقرتها السيد
 بفضل ويزد على نبله في مجالس واعين ورواه
 متعده لغيرها عاشر شهر رمضان وصلى الله عليه
 المحط قدس سنة اربع ورواها به والده
 وك العبد العجز السوار محمد بن محمد
 عما سد عنهم ما بدا مصليا مستغفرا
 ولله الحمد والمنة على ما فعله المصنف

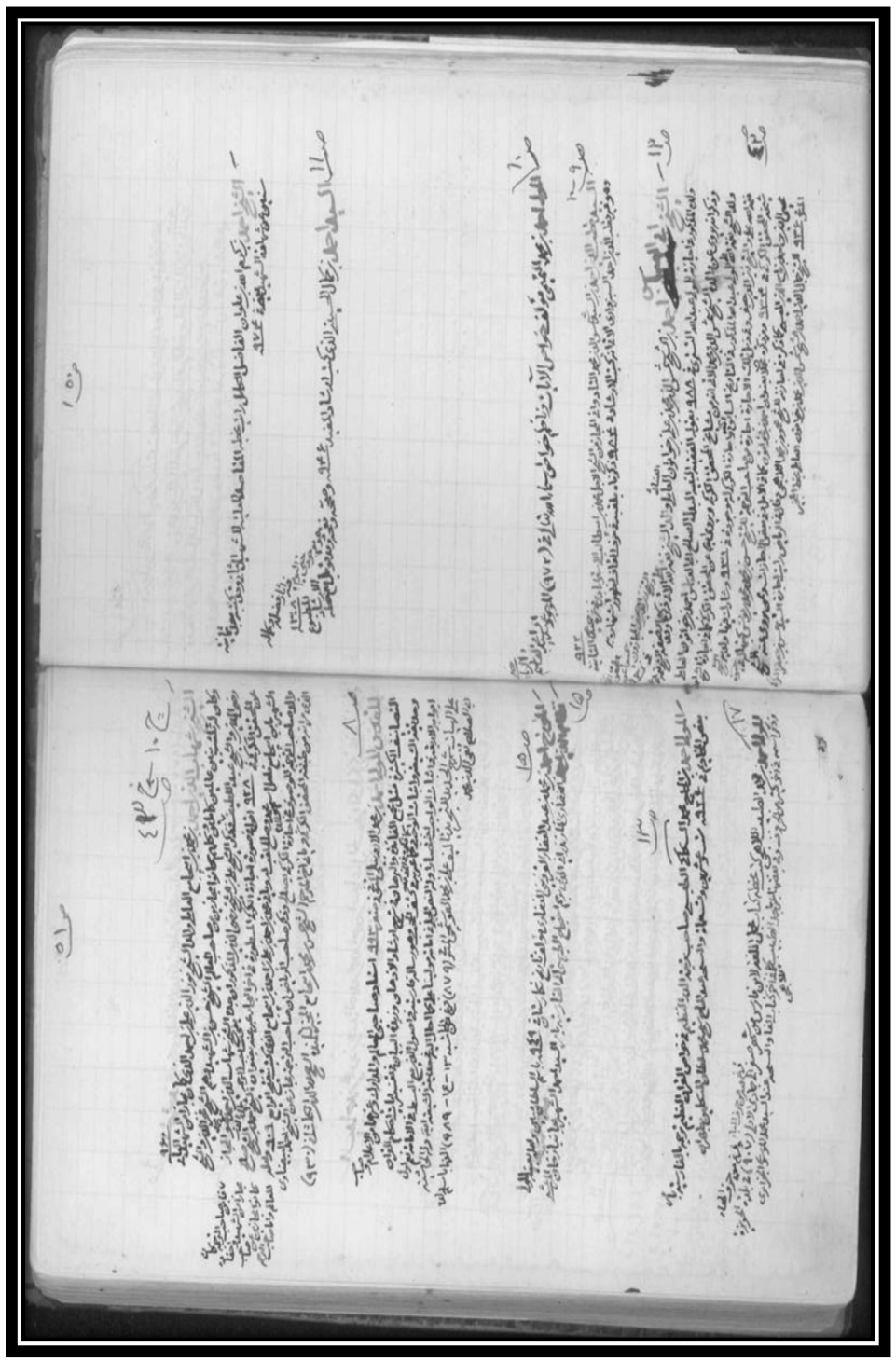
(تصوير شماره ١٣)





(تصویر شماره ۱۴)





۱۵۰

صلوات الله على سيدنا محمد وآله وصحبه
صلى الله عليه وآله وسلم
مجلس

صلى الله عليه وآله وسلم
مجلس

مجلس
مجلس

۱۵۱

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

مجلس
مجلس

(تصویر شماره ۱۵)

توضیحات مربوط به تصاویر:

۱. آغاز نسخه تهنید الاحکام مجموعه طباطبائی به شماره ۱۱۵۸ موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. نسخه که زمانی در جبل عامل بوده، در عصر صفویه به اصفهان منتقل شده و کاتبی نیمه نخست کتاب را که ناقص بوده از روی نسخه ای دیگر کتابت کرده و به نسخه ملحق کرده است.

۲. تصویر اخیر، به وضوح تفاوت دو خط و کهنگی دو بخش نسخه را نشان می دهد. بخش کهنه نسخه که در مجلس درس عمیدالدین عبدالمطلب اعرج حسینی، خواهرزاده علامه حلی (متوفی ۷۲۶) بر او خوانده شده، مشحون از حواشی است که باید در ضمن درس توسط ابن اعرج حسینی در توضیح مطالب علامه حلی بیان شده باشد. در هر حال حواشی مذکور که توسط ابن حسام عاملی کتابت شده، نمونه ای ارزشمند از سنت تعلیقه نویسی در مجلس درس استاد است و از جمله تراث ارزشمند باقی مانده از حوزه حله و جبل عامل است.

۳. صفحه انجام نسخه که در آن ابن حسام به کتابت نسخه و قرائت آن نزد ابن عمید تصریح کرده است. در کنار انجامه، عبارت انهایی دیده می شود که از حیث خط و تعبیر با انجامه های شناخته شده از شهید ثانی نزدیکی بسیاری دارد (برای نمونه انهاییات و دست خط شهید ثانی بنگرید به: رسائل الشهید الثانی، ج ۲، ص ۱۱۶۶-۱۱۷۷).

۴. توضیح ملا محمود لاهیجانی در تعلق نسخه به شهید ثانی. محمد بن محمد بن بدرالدین سبط ماردینی (متوفی ۹۰۷) نویسنده رساله فی معرفة الربع است که کتابش در قرن دهم متنی درسی بوده است. در آغاز نسخه یادداشتی این گونه آمده است: «من کتب الشیخ الشهید السعید الشیخ زین الدین قدس الله تعالی روحه و نور فتوحه کتبه العبد الجانی محمود بن محمد اللاهجانی»، که همان شاگرد معروف شهید ثانی است. در معرفی دو کتاب آمده در نسخه اخیر گفته شده که رساله فی معرفة الربع و فتاوی القواعد است.

۵. برگ اول نسخه رساله فی معرفة الربع که حسین بن عبدالصمد حارثی عاملی آن را کتابت کرده است. دست خط اخیر با دیگر دست خط های شناخته شده از حسین بن عبدالصمد تطابق دارد.

۶. تمام نسخه به خط حسين بن عبدالصمد است و در پايان رساله اول آمده است: «علقها لنفسه فقير رحمة ربه الغنى حسين بن عبدالصمد الجباعى الحارثى الهمدانى... ووقع الفراغ وقت الزوال يوم الجمعة لثلاثة بقيت من رمضان المعظم قدوة سنة ۹۴۳ فى المدرسة الخواجكية الشهابية فى القاهرة المعزية فى ايام الهجرة الميمونة». عبارت اخير اهميت فراوانى دارد و نشانگر آن است كه حسين بن عبدالصمد و به احتمال قوى شهيد ثانى در مدرسه خواجكيه هنگام اقامت در قاهره سكونت داشته اند. شهيد ثانى خود در ضمن شرح حال خود نوشتش كه ابن العودى در ضمن بغية المرید آورده، به تفصيل از استادانش در قاهره سخن گفته اما اشاره‌اى به نام مدرسه‌اى كه در آن سكونت داشته، نكرده است. اطلاع اخير از اين جهت اهميت فراوانى دارد.
۷. دست خط محيى الدين ميسى در پايان رساله‌اى كه وى در مشهد و درباره احكام صداق نگاشته است.
۸. دست خط محيى الدين ميسى در آغاز مقاصد العلية.
۹. انجامة مقاصد العلية به خط محيى الدين ميسى.
۱۰. آغاز كتاب البدائية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى. فرصت مقابله دقيق نسخه حاضر را با متن منتشر شده كتاب (قم، ۱۴۲۳) رانداشتم اما آغاز نسخه با متن چاپى تفاوت‌هاى دارد. به دليل قدمت و اصالت نسخه حاضر شايسته است تا در چاپ‌هاى بعدى، از نسخه حاضر به عنوان اساس تصحيح كتاب مجدداً استفاده شود.
۱۱. برگ پايانى كتاب البدائية فى علم الدراية شهيد ثانى به خط محيى الدين ميسى كه بلاغ مقابله‌اى نيز دارد.
۱۲. برگى از مجموعه جباعى به شماره ۶۰۴ موجود در كتابخانه ملك كه در آن تاريخ درگذشت برخى فقيهان از جمله شيخ محمد شميظارى ذكر شده است.
۱۳. برگ ۱۲۰ ب از كتاب نهاية الاحكام با انهاء محمد بن على بن حسام موجود در كتابخانه مجلس به شماره ۹۰۲۸.
۱۴. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: الضياء اللامع كه در آن شرح حال شيخ محمد سمسظارى آمده است.
۱۵. تصوير برگى از طبقات اعلام الشيعة: احياء الدائر كه در آن شرح حال مقدس اردبيلى آمده است.



کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی منتشر کرده است

